

بنام خداوند مهربان

جناب آقای دکتر جهانگیر کرمی

سر دبیر محترم مجله علمی و پژوهشی « پژوهش سیاست نظری »

با سلام

احترما معروض می دارم که مقاله پیوست که مورد داوری اساتید محترم قرا گرفته بود مطابق نظر یکی

از داوران محترم می بایست اصلاحاتی انجام می شد که اینجانب نیز اصلاحات مورد نظر استاد محترم

دوار را انجام داده ام و خدمت جنابعالی ارسال می نمایم

توفیق روز افزون جنابعالی و همکاران محترم را از درگاه ایزدمنان خواستارم

ظرفیت ها و بایسته های رویکرد نهادگرایانه در سیاست خارجی ج ۱۱ ایران

چکیده

پژوهش حاضر در پی شناخت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به رویکرد نهادگرایی می باشد. نهادگرایی یکی از رویکردهای کلیدی در تحلیل سیاست خارجی است که بر نقش نهادهای داخلی و بین‌المللی در شکل‌دهی به رفتار دولت‌ها تأکید دارد. این رویکرد بر این فرض استوار است که ساختارها و قواعد نهادی که با تکیه بر اصول، هنجارها، نگرش‌ها و ارزش‌ها ایجاد شده‌اند؛ گزینه‌های سیاست‌گذاران را محدود کرده و آنها را به سمت تصمیمات مشخصی هدایت می‌کنند. رویکرد سیاست خارجی ج ۱۱ نیز از این قاعده مستثنی نیست. قانون اساسی بعنوان یک نهاد و هنجار حقوقی برتر، حاکمیتی دو وجهی و دارای دو منشأ جمهوریت و اسلامیت بوده و اهداف فراملی و آرمان‌گرایانه‌ای همچون هموارسازی راه تشکیل امت واحد جهانی و نجات ملل محروم جهان را در کنار اهداف ملی قرار داده است. این مقاله با استفاده از رویکرد نهادگرایی و روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهادگرایی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را کارآمدتر و مؤثرتر ساخت و چه شاخص‌هایی سیاست خارجی ج ۱۱ ایران را از منظر نهادگرایی متمایز می‌نماید. نتایج نشان می‌دهد که تقویت تعاملات نهادی، افزایش هماهنگی بین نهادهای داخلی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی، اقتصادی و راهبردی منطقه‌ای و بین‌المللی، از جمله الزامات کلیدی نهادگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است.

کلیدواژه‌ها: نهاد، نهادگرایی، ظرفیت‌های نهادگرایی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

نهاد گرایان از عوامل نهادی نظیر سنتها، آداب و رسوم، فرهنگ و مذهب، تحت عنوان قیود غیر رسمی و به عنوان عوامل تأثیرگذار بر ادراک فرد نام می‌برند از این رو مطالعات بین رشته‌ای از قبیل اقتصاد اجتماعی، جامعه‌شناسی سیاسی، انسان‌شناسی اقتصادی و جامعه‌شناسی بیولوژیکی را ضروری می‌دانند. نگاهی گذرا به کارکرد نهادگرایی در حوزه اقتصادی برای تبیین نقش نهادها و رویکرد نهادگرایی امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. بنابراین ابتدا نقش نهادها در اقتصاد را می‌توان قابل توجه به قابلیت اجرا و نقش رویکرد نهادگرایی در این حوزه دانست، اقتصاد نهادگرا به دنبال ارائه نظریه‌های عام، نظیر نظریه قیمت نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از رهنمودها و برداشت‌های راهبردی را برای مسائل خاص مطرح می‌سازد (Hodgson, 1998, p. 170) در حقیقت مکتب نهادگرایی در پی این است تا نظریه‌ای ارائه دهد که از قابلیت اجرایی بالایی برخوردار باشد. این رویکرد، اگر به دلیل وجود اطلاعات ناقص و به دنبال آن هزینه‌های معاملاتی بر وجود دولت به عنوان یک نظام قانونی ضامن اجرای قراردادها تأکید می‌کند بدین مضمون نیست، که حتماً دولت در اقتصاد کارا عمل میکند بلکه به این دلیل است که شاید هیچ شیوه دیگری نتوان طراحی نمود که منفعت خالص حاصل شده را بیشتر کند. نهادگرایی با اشاره به وجود

هزینه معاملاتی بر نقش دولت در برقراری نظم تأکید میکند که تضادها را تعدیل کرده و منافع حاصل از مشارکت را افزایش میدهد. (رمضانی باصری & میر فردی, 1393, ص. 133) از آنجا که قانون یک کالای عمومی است صرفه های زیادی نسبت به مقیاس دارد و مجموعه قوانین از پیش تعیین شده هزینه های مذاکره و اجرای قراردادهای را به طور قابل ملاحظه ای کاهش میدهد. آریس کلارنس معتقد است، در حقیقت دولت ها به عنوان تعیین کنندگان حقوق مالکیت بر هزینه های معاملاتی تأثیر می گذارند و می توانند از این طریق انگیزش ها را تغییر داده آنها را دوباره شکل دهند. (متوسلی, سمیعی نسب, مشهدی احمد, & نیکو نسبیتی, 1389, ص. 23). البته اقتصاد نهادگرایی جدید از فروض ایده آلی نظیر دانای کل و خیرخواه بودن دولت پرهیز می کند، چرا که دولتها حق مالکیت را به گونه ای تعریف میکنند که با حداکثر شدن ثروت اداره کنندگان آن سازگار باشد. در حقیقت از نظر نهادگرایی تمام اشکال سازمانی از جمله دولت ناقص هستند. در نتیجه این دیدگاه تنها در پی این است که کدام شکل سازمانی نسبت به شکلهای دیگر، بازدهی بالاتری را ایجاد می کند. (رمضانی باصری & میر فردی, 1393, ص. 134)

نهادها در اشکال مختلف آن حیات انسانی را در بر گرفته اند و کنشهای فردی و جمعی به شدت، تحت تأثیر جهت دهنده این نهادهاست. هر چند مطالعه اشکال مختلف نهادها از ذهنی ترین مانند هنجارها و عادات تا عینی ترین آنها سازمانهای تشکیل دهنده، دولت همواره مورد توجه مطالعه کنندگان کنشهای فردی و جمعی انسان بوده است. در دوره پس از جنگ دوم جهانی به دلیل سیطره رویکردهای برآمده از انقلاب رفتاری رواج شدید رویکردهای مارکسیستی و نهایتاً بازگشت دوباره به رویکرد نئوکلاسیک در حوزه اقتصاد توجه به نقش متغیرهای نهادی در شکل دادن به روندها و پدیده های اجتماعی به نحو ملموسی به حاشیه رانده شد (محمدی, 1393, ص. 138)

در این تلقی ها نهادها اغلب متغیری وابسته در نظر گرفته می شدند که نقش مستقل در حیات اجتماعی ندارند در واکنش به این حاشیه شدگی از دهه هشتاد میلادی به این سو علوم اجتماعی معاصر شاهد روندی رو به رشد از احیای نهادگرایی بوده است که دامنه وسیعی از مطالعات نهادی در حوزه های، اقتصادی اجتماعی و سیاسی را شامل می شود به رغم تنوع شدید درونی؛ نقطه تمرکز و تأکید اصلی این رویکردها بر این نکته است که نهادها در اشکال مختلف آن، هم بر روندها و هم بر نتایج کنشهای سیاسی تأثیر می گذارند و بدون توجه به نقش شکل دهنده این متغیرها مستقل در حیات اجتماعی (حوزه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی اجتماعی و ...) تبیین های ما از پدیده ها؛ تبیین های ناقص و یکسویه خواهد بود. نهادگرایان نشان میدهند که چگونه نهادها با سازوکارهای بسیار پیچیده هم محدودیت هایی بر رفتار کنشگران اعمال میکنند و هم از خصلتی امکان ساز برخوردارند. نهادها از این طریق رفتار کنشگران را در مسیر خاصی جهت میدهند ولی این بدان معنا نیست که رابطه نهادها و کنشگران رابطه ای یک سویه و ایستاست (کاظمی ح., 1392, ص. 2). سیاست خارجی، نتیجه تصمیم گیری های جزئی و در عین حال مهم است و آنچه به سیاست خارجی یک کشور شکل می دهد، نهادهای تصمیم گیرنده آن هستند. فرض کلی سیاست خارجی این است که دولت به عنوان نهادی اجتماعی در دو محیط قرار دارد: از یک سو، محیط داخلی که متشکل از همه نهادهای واقع در قلمرو مشخص شده توسط دولت و تعاملات آنها با یکدیگر

است، و از سوی دیگر، محیط خارجی که متشکل از همه دولت‌های دیگر و تعاملات آن‌ها با یکدیگر و نهاد های بین‌المللی است نظریه روابط بین‌الملل متعارف فرض می‌کند که دولت پیوسته درگیر تلاش برای مداخله در هر دو محیط است؛ یعنی در سیاست داخلی و خارجی وارد می‌شود (اسلامی & اکبری، آسیب‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر نهاد گرایی، 1399، ص. 4) سیاست خارجی تصمیم‌ها، کنش‌ها و اقدامات یک کشور در قبال سایر بازیگران و محیط بین‌المللی است (رینولدز، فلیپ آلن، 1380، ص. 63) بنابراین سیاست خارجی بر پایه یک طرح و برنامه و راهبرد از پیش تعیین شده به‌وسیله تصمیم‌گیرندگان برای تأمین اهداف مشخص و معین صورت می‌گیرد (دهقانی فیروز آبادی، اصول و مبانی روابط بین‌الملل (جلد اول)، 1394، ص. 21) به بیان دیگر، سیاست خارجی متشکل از اهداف، استراتژی‌ها، تدابیر، روش‌ها، دستورالعمل، رهنمودها، برداشت‌ها و توافقات است (خوشوقت، 1385، ص. 145) همه دولت‌ها به واسطه این حقیقت صرف که موجودیت جدای بین‌المللی دارند، به یک سیاست خارجی راهبردی در قبال دولت‌های دیگر و سایر بازیگران بین‌المللی متعهد هستند. سیاست خارجی با این نیت دربرگیرنده اهداف و تدابیری است که تصمیمات و اقدامات دولت را در ارتباط با مسائل خارجی - به‌ویژه با سایر کشورها - راهبری می‌کند. (جکسون & سورنسون، 1394، ص. 393)

برخی تحلیل کرده‌اند که سیاست خارجی دولت اسلامی، برگرفته از منابع اسلامی است بطوری که پایبندی به این اصول که مستند به قرآن و سنت است، وجه تمایز دولت اسلامی از دیگر دولت‌ها خواهد بود. اصول سیاست خارجی دولت اسلامی برای دستیابی به اهداف آن، ابزارها و استراتژی را مشخص می‌کند و حدود استفاده از هر ابزار و شرایط آن را تعیین می‌نماید (حقیقت، 1376، ص. 23) انقلاب اسلامی نخستین انقلاب مذهبی عصر حاضر، یا به تعبیر دیگر، اولین شورش بزرگ علیه نظام‌های زمینی بود که در فرایند آن، گفتمانی سیادت‌طلب شکل گرفت که با تمامی بداعتش، ریشه در سنت دیرینه اسلام داشت (صحرائی، 1390، ص. 140). انقلاب تحت تأثیر یک ایدئولوژی طبقاتی یا گروهی نبود، بلکه از ایدئولوژی اسلامی نشأت گرفته بود؛ که هم با نظام استبدادی و هم با نظام استعماری در تضاد بود و مهمترین هدف آن برقراری عدالت در سطح جامعه و نظام بین‌الملل است. با توجه به جایگاه و نقش ایدئولوژی اسلامی نه تنها اهداف و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران را مشخص می‌سازد، بلکه معیارهای سنجش و توجیهات لازم را برای کنش‌ها نیز فراهم می‌کند. (ستوده، 1385، ص. 79-81)

با توجه به این مسأله، گفتمان جمهوری اسلامی هم در درون خود استقلال و آزادی را جستجو می‌کرد چون این گفتمان بُعدی فراملی داشت می‌خواست آمال خود را در دیگر نقاط جهان و با همکاری با جنبش‌های آزادیبخش محقق کند (صحرائی، 1390، ص. 141). علاوه بر این، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز در کتاب، سنت، سیره معصومین و شیوه حکومتی آنان ریشه دارد. بر اساس اسناد رسمی، به‌ویژه قانون اساسی، بیانات امام خمینی و عملکرد رفتاری ایران، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی عبارتند از: نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛ استکبارزدایی، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی؛ حمایت از مستضعفان و محرومان؛ حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان؛

همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی؛ عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل؛ تعهدات به قراردادهای و قوانین بین‌المللی می‌باشد (صدیق، 1386، ص. 63). بر همین پایه رهبر معظم انقلاب اسلامی عزت و حکمت و مصلحت را یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی می‌دانند ایشان در طراحی سه اصل مهم عزت حکمت و مصلحت در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و تبیین این سه اصل، بروشنی جایگاه نهادی و نقشه راه نهاد های مرتبط با سیاست خارجی را نشان می‌دهند. ایشان همواره در فرصت های مناسب و در مقاطع مختلف با صدور بیانیه و ابلاغ سیاست ها کلی نظام در برنامه ها، سند های چشم انداز نظام؛ رویکرد سیاست خارجی را با تکیه به اصول فقه شیعی و اسلامی مد نظر داشته و سیاست خارجی نظام اسلامی را در تمامی ابعاد آن برای جهانیان و بویژه دولتمردان تبیین نموده اند. بر این اساس؛ ترتیبات نهادی در جمهوری اسلامی ایران بصورتی تعریف و ساختارمند شده اند که این اهداف را پوشش و در تحقق آن نقش آفرینی کنند. با این حال در بیان مسئله این تحقیق می‌توان گفت که بهره‌گیری از رویکرد نهادگرایانه در سیاست خارجی ایران اگر چه با چالش‌هایی همچون تنش‌های ژئوپلیتیکی، تحریم‌های بین‌المللی و اختلافات میان نهادهای داخلی مواجه است؛ ولی اجتناب ناپذیر می‌باشد. این مقاله تلاش دارد با بررسی ظرفیت‌ها و بایسته‌های نهادگرایی، راهکارهای تقویت این رویکرد را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ارائه دهد. تحولات نظام بین‌الملل در دهه‌های اخیر نشان داده است که نهادهای داخلی و بین‌المللی نقش فزاینده‌ای در شکل‌دهی به سیاست خارجی کشورها دارند ایران نیز به‌عنوان بازیگری مهم در منطقه خاورمیانه، نیازمند تعامل سازنده با نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای برای تأمین منافع ملی خود است. عدم هماهنگی بین نهادهای داخلی و ضعف در دیپلماسی نهادی، چالش‌هایی را در مسیر سیاست خارجی کشور ایجاد کرده است. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های و بایسته‌های نهادگرایی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را کارآمدتر و مؤثرتر ساخت؟

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی تاکنون به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع تأثیر نهادها در سیاست خارجی ایران پرداخته‌اند، اما کمتر پژوهشی به شکل جامع به تحلیل ظرفیت‌ها و بایسته‌های نهادگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی با تأکید هم‌زمان بر نهادهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته است

اسلامی و اکبری در مقاله ای تحت عنوان آسیب شناسی در سیاست خارجی / از منظر نهاد گرایی اعتقاد دارند در بررسی آثار و دیدگاه‌های مرتبط با سیاست خارجی ایران سه رویکرد کلی همدلانه، نقادانه و نافیانه مشاهده شده است. در رویکرد همدلانه آثار و دیدگاه‌هایی که ذیل این رویکرد جای می‌گیرند از عملکرد چهل ساله جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی کاملاً دفاع می‌کنند و با آن همراه هستند. این دیدگاه‌ها بیشتر متعلق به

کارگزاران حکومتی نهادها و مؤسساتی است که بر ابعاد آرمان گرایانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی تأکید دارند چنانکه پیداست این آثار از میان تمام لایه‌های معرفتی حاکم بر سیاست خارجی ایران بر دو لایه اسلام و انقلابیگری تمرکز کرده و به دیگر منابع و لایه‌های موجود در سازه ذهنی حاکم بر سیاست خارجی توجهی ندارند در رویکرد نافیه: این رویکرد در مقابل رویکرد همدلانه قرار دارد در این رویکرد ایران کشوری ایدئولوژیک است که به سمت خطرناکی حرکت می‌کند بر اساس این رویکرد که بیشتر در منابع انگلیسی زبان، گزارشهای راهبردی پژوهشکده های خارجی، مجلات پژوهشی و مقاله های ژورنالیستی و بعضاً برخی از افراد مسئول و غیر مسئول در داخل کشور به آن پرداخته میشود ایران به دلیل نفوذ نهادهای نظامی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تمام لایه های سیاسی و اقتصادی عامل اصلی ناامنی و برهم خوردن توازن در خاورمیانه است. برای نمونه هنری کیسینجر در مقاله ها و به خصوص کتاب جدیدش در باب نظم جهانی ترجمه با ترجمه محمدتقی حسینی مملکت داری ایران بعد از انقلاب را عامل پیدایش نظامهای خلافت و اسلام گرایی هایی میداند که امت محور هستند و نظم دولت- ملت را قبول ندارند و در رویکرد نقادانه بر این باورند که سیاست خارجی ایران با وجود دستاوردهایی که داشته هنوز نیازمند اصلاح و بازنگری است تا به واقع گرایی کافی برای تحقق منافع ملی برسد. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به مقاله مذکور (اسلامی & اکبری، 1399، ص. 5 و 6).

محمود سریع القلم در مقاله ای با عنوان مفهوم قدرت و عملکرد سیاست خارجی مقایسه چین و ایران بر این باور است که سیاست خارجی ایران در چند دهه گذشته از مرزها و تمامیت ارضی کشور حراست نموده و از نظام سیاسی ایران از طریق، تقابل، حفظ فاصله، امتناع از ائتلاف و همگرایی منطقه ای و بی علاقگی به اختلاط در سیاست و اقتصاد بین المللی صیانت کرده است. او میگوید تولید قدرت که امری کمی و مبتنی بر آمار و ارقام است و از مسیر تعامل با جهان به دست میآید، لازمه دستیابی به سیاست خارجی موفق است. (سريع القلم , 1390, ص. 49-74)

روح الله رضانی در کتاب «چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» از رشد عقلانیت در سیاست خارجی ایران طی دو دهه نخست پس از انقلاب ۱۳۵۷ سخن میگوید او با اشاره به شکل گیری نوعی سازش جویی واقع بینانه در مقابل رویارویی آرمان گرایانه» در سیاست خارجی، ایران معتقد است ، ایران از سیاستهای مواجهه جویانه انقلابی و آرمان گرایانه در جهان فاصله گرفته است و به سمت تعامل با جهان و خروج از انزوا در حرکت است (رضانی، 1380، ص. 11).

دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۸) در کتاب نهادگرایی و سیاست خارجی ایران به بررسی نقش نهادهای داخلی مانند شورای عالی امنیت ملی، وزارت امور خارجه و مجلس در روند تصمیم‌گیری سیاست خارجی پرداخته و تأکید دارد که نبود هماهنگی نهادی یکی از موانع جدی در انسجام سیاست خارجی است. با این حال، اثر مذکور کمتر به نهادهای بین‌المللی یا منطقه‌ای و فرصت‌های همکاری‌های چندجانبه پرداخته است.

کاظمی (۱۴۰۰) در کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نهادهای داخلی ضمن مروری بر چارچوب حقوقی و نهادی سیاست خارجی، بیشتر بر نهادهای قانون‌گذار و مجری تمرکز دارد و نگاهی انتقادی به تضادهای نهادی دارد، ولی نهادگرایی به‌عنوان یک رویکرد نظری منسجم در تحلیل وی به‌طور مستقیم بسط داده نشده است

در گزارش سالانه UNDP 2023 با عنوان **The Role of International Institutions in Foreign policy** به بررسی کارکرد نهادهای بین‌المللی در توسعه دیپلماسی چندجانبه پرداخته است، اما تمرکز آن بر کشورهای در حال توسعه در آفریقا و آمریکای لاتین بوده و به ایران اشاره‌ای نشده است. برخلاف برخی مطالعات که تنها به ابعاد مفهومی یا صرفاً نهادی سیاست خارجی ایران پرداخته‌اند، این تحقیق تلاش دارد رویکرد نهادگرایی را هم در سطح نظری و هم در سطح عملیاتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بررسی کند. این پژوهش با رویکرد مسئله‌محور، موانع پیش‌روی نهادگرایی در سیاست خارجی ایران را شناسایی و راهکارهای عملی برای رفع آن‌ها پیشنهاد می‌دهد.

روش و چارچوب نظری تحقیق

این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی بهره می‌گیرد و بر اساس داده‌های کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد، به بررسی تأثیر نهادگرایی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. چارچوب نظری تحقیق بر مبنای نظریه نهادگرایی جدید است. نهادگرایی جدید یا "نهادگرایی سیاسی" به عنوان یک رویکرد تحلیلی در سیاست، در دهه ۱۹۹۰ میلادی شکل گرفت. در این رویکرد، بر نقش نهادها (مؤسسات، ساختارها، قوانین، الگوهای اجتماعی و سیاسی) در شکل‌گیری و تأثیر بر عملکرد جامعه و سیستم سیاسی تأکید می‌شود. در نهادگرایی جدید، نهادها به عنوان تأثیرگذارترین عامل در شکل‌گیری فرهنگ و رفتارهای سیاسی شناخته شده‌اند. برخلاف رویکردهای دیگر، نهادگرایی جدید به نقش نهادها در تأسیس و حفظ دموکراسی، حفظ حقوق شهروندی، مبارزه با فساد و تضمین عدالت اجتماعی بسیار اهمیت می‌دهد. در این رویکرد، نهادها به صورت دوگانه تحلیل می‌شوند؛ نهادهای شکلی و نهادهای غیرشکلی. نهادهای شکلی به مؤسسات، قوانین و ساختارهایی اشاره دارند که به منظور برقراری نظم و تعادل در جامعه تشکیل شده‌اند. نهادهای غیرشکلی هم به فرهنگ و الگوهای اجتماعی و سیاسی اشاره دارند که در اثر عملکرد نهادهای شکلی شکل گرفته‌اند. با توجه به اهمیتی که نهادگرایی جدید به نهادها می‌دهد، این رویکرد در حوزه‌های گوناگونی از جمله سیاست‌گذاری عمومی، شهرسازی، طراحی قانون اساسی، ارزیابی سیاست‌های دولتی و سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نهادگرایان جدید معتقدند که انقلاب رفتاری قابلیت اعمال و کاربرد ندارد زیرا رفتارگرایان برای توضیح پدیده‌ها به عوامل غیرساختاری مانند افراد رجوع می‌کنند و از عملکرد نهادها غافل می‌شوند. مارش و اولسون در همین زمینه می‌نویسند: «باور مشترک رفتارگرایی

و انتخاب عقلانی بر این اساس است که نتیجه که اقدامات جمعی در پی دارند برآمده از کنش و واکنش پیچیده مابین بازیگران فردی است. این ایده که انتخاب های جمعی را برآمده از انتخاب هایی که افراد خود مختار صورت می دهند بدانیم ادعایی گراف و چه بسا مخرب خواهد بود» (March & Olsen, 2005, p. 4). آن ها می گویند که علم سیاست با مطالعه نهادهای سیاسی به علم کاربردی تبدیل شده و به ریشه های اصلی خود بازمی گردد. اندیشمندان سیاسی کنترل زیادی بر عواملی مانند فرهنگ سیاسی یا سطح رشد اقتصادی ندارند، اما می توانند بر طراحی قانون اساسی و فرآیندهای قانونگذاری تأثیر بگذارند. نهادهای سیاسی از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی منعطف تر هستند و با تأکید بر آن ها می توان به تولید علمی مفیدتری دست یافت. بنابراین، نهادگرایی جدید نسلی جدید از اندیشمندان را تربیت کرده است که از تمرکز بر طراحی نهادهای سیاسی برای تأثیرگذاری بر پیامدهای سیاسی مانند دموکراسی حمایت می کن (Ishiyama, 2012, ص. 21) بنای نهادگرایی جدید به مارش و اولسن نسبت داده می شود که در مقاله ای در سال ۱۹۸۴ خواستار توجه به ویژگی نهادی سیاست شدند مضامین اصلی این مقاله را می توان چنین برشمرد:

- نهادهای سیاسی خودمختاری نسبی و تأثیرات مستقل دارند و ویژگیهای سازمانی آنها اهمیت دارد. از منظر نهاد گرایی جدید، هم زمینه گرایی که سیاست را بازتابی از جامعه می بیند هم تقلیل گرایی که سیاست را به عمل افراد تقلیل می دهد مردود است
 - سیاست حول تفسیر زندگی و گسترش، معنا، هدف و جهت می چرخد و نه تنها حول سیاست گذاری و تخصیص منابع
 - توجه به شیوه ای که قواعد و رویه ها و معیارها و هنجارهای نهادینه شده بر رفتار تأثیر می گذارند لازم است و تأکید بر اینکه عمل سیاسی را نمی توان نتیجه رفتار اشخاص محاسبه گر دانست. تاریخ کافی نیست اما نمی توان نهادها را فراتاریخی در نظر گرفت (March & Olsen, 1984, p. 749)
- از دیدگاه آنها؛ کنشگران سیاسی خود و عمل خود را بر طبق قواعد رویه هایی که به صورت اجتماعی ساخته شده و برای عموم شناخته و پذیرفته شده اند سامان می دهند. به دلیل این قواعد و رویه ها نهادهای سیاسی وظایف و حقوق اساسی سیاسی را تعریف می کنند و چگونگی تخصیص امتیازات و فرصتها و تکالیف را در جامعه تنظیم کرده شکل می دهند و برای حل تضادها، اقتداری را به وجود می آورند. نهادهای اداری کمیته های قانونگذاری و دادگاهها هر چند محل منازعه نیروهای اجتماعی اند اما همچنین مجموعه هایی از رویه ها و ساختارهای استانداردند که منافع و گزینش های فردی را تعریف و محدود می کنند و به سهم خود کارگزاران سیاسی به شمار می آیند. پژوهش مارش و اولسون موجهی از توجه به نهادگرایی را به دنبال داشت که به ظهور نحله های متنوع نهادگرایی در سالهای بعد منجر شد. به طور کلی ادعای نهادگرایی جدید این است که افراد منافع خود را با تصمیم گیری در درون محدودیتهای نهادی تعقیب می کنند؛ بنابراین بر اساس این نظریه افراد عقلانی عمل می کنند و به دنبال منافع شخصی خود هستند اما البته با دانش و ادراک محدود و در چارچوب های نهادی محدود کننده. در این نظریه نهادها به مثابه قواعدی تعریف می شوند که با سازوکارهای اجبار آمیز همراه شده اند و انتخاب افراد را

محدود می کنند. این قواعد طیفی وسیع از قوانین دولتی و خط مشی های حاکم بر یک سازمان و نیز ارزشهای حاکم بر یک گروه را در بر می گیرند ادعای دیگر نهادگرایی جدید این است که نهادها به گونه ای افراد را محدود می کنند که انتخاب آنان با خیر جمعی هماهنگ باشد و بدین وسیله نوعی تعامل سودآور میان افراد را فراهم می سازند؛ بنابراین بقای نهاد، نهایتاً به کارآمدی در تأمین منافع اعضا وابسته است نهادهایی که منافع اعضای خود را قربانی کنند، در درازمدت نمی مانند.

نهادگرایی جدید بر این ایده تأکید دارد که برای درک کامل یک سازمان یا جامعه، باید نهادهای آنها را بشناسیم و تحلیل کنیم. این نهادها شامل قواعد رسمی و غیررسمی، قوانین، سنت ها، سیاست ها و ساختارهای اجتماعی هستند که رفتار افراد را تحت تأثیر قرار می دهند. همچنین نهادگرایی جدید تأکید می کند که نهادها نه تنها توسط محیط اجتماعی و فرهنگی تأثیر می گیرند، بلکه خود نیز بر آن تأثیر می گذارند. به عنوان مثال، در نهادگرایی جدید می توان به مطالعه سیستم انتخاباتی، نظام مالیاتی، نظام بهره، ساختار تصمیم گیری، ساختار دولت، نظام بودجه، فرایند سیاست گذاری و روابط بین المللی پرداخت. با تحلیل این نهادها و قواعد آنها می توانیم به درک بهتری از رفتار افراد و عملکرد سازمان ها در جوامع برسیم. بنابراین، نهادگرایی جدید یک رویکرد پژوهشی است که تلاش می کند تا از طریق تحلیل نهادها و قواعد آنها به درک بهتری از رفتار افراد و عملکرد سازمان ها در جوامع برسد (حسینی زاده، 1391، ص. 52).

نهاد و نهادگرایی در سیاست خارجی ج ۱ ایران

رویکرد نهادگرایانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به مفهومی اشاره دارد که برای توضیح و تحلیل رفتار جمهوری اسلامی ایران در روابط بین المللی استفاده شده است. این رویکرد بر این عقیده مبتنی است که نهادها، اعتقادات، ارزش ها و سیستم های سیاسی مؤثرترین عوامل در تعیین سیاست خارجی یک کشور هستند. ظرفیت های نهادگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

۱. نقش نهادهای داخلی در سیاست خارجی / ایران: این نهادها شامل دولت و دستگاه دیپلماسی، مجلس شورای اسلامی و نهادهای فراقوه ای نظیر شورای عالی امنیت ملی و مقام رهبری هستند. هر یک از این نهادها بواسطه جایگاه قانونی خود، در تنظیم و اجرای سیاست خارجی نقش تعیین کننده ای دارند. (دهقانی فیروز آبادی ج. ۱، 1398، ص. 23)

۱.۱ دولت و دستگاه دیپلماسی: دولت و به طور خاص، وزارت امور خارجه، اصلی ترین نهاد اجرایی در سیاست خارجی ایران محسوب می شود. این نهاد مسئولیت مذاکره، اجرای توافقات بین المللی و تنظیم روابط دیپلماتیک کشور را بر عهده دارد. دستگاه دیپلماسی ایران در دوره های مختلف تاریخی، استراتژی های متفاوتی در پیش گرفته است که متناسب با شرایط بین المللی و سیاست های کلان نظام بوده است. (Rahmani, 2020, p. 67)

۱.۲ مجلس شورای اسلامی: مجلس شورای اسلامی، به عنوان نهاد قانون گذاری، در تعیین چارچوب های حقوقی سیاست خارجی نقش آفرینی می کند. این نهاد از طریق تصویب یا رد توافق نامه های بین المللی، تخصیص بودجه به

دستگاه دیپلماسی و نظارت بر عملکرد دولت، بر سیاست خارجی تأثیرگذار است (کاظمی، 1400، ص. 85). کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، یکی از نهادهای تخصصی در بررسی مسائل سیاست خارجی است.

۱.۳. *نهادهای فراقوه‌ای و رهبری*: در جمهوری اسلامی ایران، مقام رهبری نقش راهبردی در سیاست خارجی دارد. سیاست‌های کلان نظام در حوزه بین‌الملل، بر اساس تدابیر مقام رهبری و مشورت با نهادهایی مانند شورای عالی امنیت ملی تدوین می‌شود (دهقانی فیروز آبادی، 1398، ص. 56). شورای عالی امنیت ملی، به‌عنوان بالاترین نهاد تصمیم‌گیری امنیتی و سیاسی کشور، نقش ویژه‌ای در تعیین راهبردهای سیاست خارجی دارد و بر روند مذاکرات و تعاملات بین‌المللی کشور نظارت دارد. (Rahmani, 2020, p. 45) این شورا، تحت نظر مقام رهبری، وظیفه هماهنگی میان نهادهای مختلف را بر عهده دارد. تصمیمات این شورا در پرونده‌هایی مانند روابط با روسیه و چین نشان‌دهنده تأثیر نهادهای فراقوه‌ای بر سیاست خارجی است (دهقانی فیروز آبادی، 1398، ص. 56)

۲. *نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی و جایگاه ایران*: نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی یکی از ارکان مهم نهادگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هستند. این نهادها به ایران فرصت می‌دهند تا از ظرفیت همکاری‌های چندجانبه برای تأمین منافع ملی خود بهره‌برد. از جمله این نهادها می‌توان به سازمان همکاری اسلامی، سازمان ملل و نهادهای وابسته و پیمان‌های منطقه‌ای (مانند شانگهای و اکو) اشاره کرد. (Rahmani, 2020, p. 102)

۳. *ظرفیت‌های فرهنگی، اقتصادی و راهبردی ایران در بهره‌گیری از نهادگرایی*: ایران با برخورداری از تمدن تاریخی، منابع انرژی و موقعیت ژئوپلیتیکی، پتانسیل بالایی برای نقش‌آفرینی در نهادهای بین‌المللی دارد. به عنوان مثال، مشارکت ایران در ابتکار "یک کمربند، یک راه" چین، نشان‌دهنده استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی در تعاملات بین‌المللی است (Rahmani, 2020, p. 152)

۳.۱. *ظرفیت‌های فرهنگی*: ایران با دارا بودن تمدن تاریخی، نفوذ فرهنگی در جهان اسلام و تشیع، از پتانسیل بالایی برای دیپلماسی فرهنگی برخوردار است. مراکز فرهنگی ایران در کشورهای مختلف، حضور رسانه‌ای در سطح بین‌المللی و مشارکت در برنامه‌های سازمان‌های فرهنگی جهانی، از جمله راهبردهای نهادگرایانه ایران در این حوزه هستند (دهقانی فیروز آبادی، 1398، ص. 18).

۳.۲. *ظرفیت‌های اقتصادی*: ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز جهان، می‌تواند از طریق سازمان‌هایی مانند اوپک، نقش مهمی در سیاست‌گذاری‌های انرژی جهانی ایفا کند. (Reuters, 2025, p. 5)

موقعیت جغرافیایی ایران در مسیر کریدورهای بین‌المللی، این کشور را به یکی از بازیگران کلیدی در ترانزیت کالا تبدیل کرده است. البته تمرکز بر تنوع‌بخشی به اقتصاد و توسعه صادرات غیرنفتی بسیار مهم است تحریم‌های اقتصادی نشان داده‌اند که اتکا به فروش نفت و گاز به‌تنهایی نمی‌تواند تأمین‌کننده امنیت اقتصادی کشور باشد (O'Sullivan, 2018, p. 98)

۳.۳. ظرفیت‌های راهبردی: موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در منطقه خاورمیانه، دریای خزر و خلیج فارس، به این کشور امکان داده است تا در فرآیندهای امنیتی و سیاسی منطقه نقش فعالی ایفا کند. همکاری‌های امنیتی ایران با سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری شانگهای و ائتلاف‌های منطقه‌ای، نمونه‌هایی از بهره‌گیری از ظرفیت‌های راهبردی در سیاست خارجی هستند. (Shanghai Cooperation Organization, 2023)

مهمترین الزامات و بایسته‌های نهادگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نیز می‌توان اینگونه برشمرد:

۱. **ضرورت ارتقای نقش نهادهای داخلی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی:** نهادهای داخلی جمهوری اسلامی ایران نقش حیاتی در سیاست خارجی ایفا می‌کنند و تقویت این نهادها می‌تواند موجب تقویت جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی شود. به‌ویژه با توجه به چالش‌های پیش‌رو در عرصه جهانی، ضرورت دارد که نهادهای داخلی مانند دولت، مجلس و رهبری، در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی مشارکت فعال‌تری داشته باشند. این موضوع نیازمند ارتقای ظرفیت‌های حقوقی و اجرایی این نهادها برای اتخاذ تصمیمات دقیق و مؤثر است (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۴) بدیهی است ارتقای نظام تصمیم‌گیری با بهره‌گیری از مطالعات علمی و داده‌محور برای تدوین سیاست‌های خارجی با لازم است (همان منبع ص. ۱۵۲).

۱.۱. **افزایش تعامل و همکاری میان نهادهای داخلی:** برای تقویت نقش نهادهای داخلی در سیاست خارجی، لازم است که تعاملات و همکاری‌های بین نهادهای مختلف (دولت، مجلس و نهادهای فراقوه‌ای) تقویت شود. این امر می‌تواند به شکل جلسات مشورتی و نظارتی مشترک در راستای هم‌افزایی در تصمیم‌گیری‌ها و جلوگیری از تضاد منافع و نظرات نهادهای مختلف باشد. (Rahmani, 2020, p. 94)

۱.۲. **تقویت نهادهای تخصصی در مجلس:** مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نهاد قانون‌گذار، می‌تواند با تقویت کمیسیون‌های تخصصی مانند کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، نقش بیشتری در سیاست‌گذاری خارجی ایفا کند. تصویب یا رد توافقات بین‌المللی و نظارت بر اجرای آن‌ها از جمله وظایف کلیدی مجلس است که با تقویت عملکرد این نهاد، می‌توان تصمیمات استراتژیک بهتری اتخاذ کرد.

۲. **تعامل سازنده با نهادهای بین‌المللی و دیپلماسی چندجانبه:** یکی از بایسته‌های مهم نهادگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تعامل سازنده با نهادهای بین‌المللی و دیپلماسی چندجانبه است. این رویکرد می‌تواند ایران را قادر سازد تا در مسائل جهانی نفوذ بیشتری پیدا کند و از ظرفیت‌های موجود در سازمان‌ها و پیمان‌های بین‌المللی بهره‌برداری کند.

۲.۱. **تقویت دیپلماسی چندجانبه؛** دیپلماسی چندجانبه به‌عنوان رویکردی در سیاست خارجی، فرصتی است برای تقویت همکاری‌های بین‌المللی در قالب گروه‌های متنوع و میان‌دولتی. ایران می‌تواند با پیوستن به توافقات و کنوانسیون‌های بین‌المللی و مشارکت فعال در نهادهایی همچون سازمان ملل متحد، سازمان همکاری اسلامی و پیمان شانگهای، دیپلماسی خود را تقویت کند. پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۲۱ نمونه‌ای از دیپلماسی چندجانبه در راستای بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهادی بود. (ECO, 2022, p. 67)

۲.۲. بهره‌برداری از ظرفیت‌های بین‌المللی برای تأمین منافع ملی: ایران باید با بهره‌برداری از ظرفیت‌های نهادهای بین‌المللی برای تأمین منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی خود تلاش کند، این امر از طریق تأثیرگذاری در مذاکرات جهانی و استفاده از ظرفیت‌های نهادهای، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی، محیط زیستی و امنیتی، انجام شود.

نتیجه‌گیری:

نهادگرایی در رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که سیاست‌های خارجی این کشور به شدت تحت تأثیر ارزش‌ها، اعتقادات و نظام سیاسی اسلامی قرار دارد. این رویکرد با تأکید بر استقلال، عدالت، مقاومت و حفظ منافع ملی است با برخی رویکردهای متعارف در نظام بین‌الملل دچار تعارض شود. در برخی از اصول قانون اساسی، سیاست خارجی ج ۱ ایران وظیفه دارد برای حمایت از مستضعفین و مظلومین و ... در سایر کشورها اقدام نماید که این خود شائبه دخالت در امور سایر کشورها را در ذهن بوجود می‌آورد. این در حالی است که مزایای استفاده از رویکرد نهادگرایی در سیاست خارجی شامل درک بهتر از عوامل داخلی موثر بر سیاست خارجی، تحلیل دقیق‌تر و پیش‌بینی بهتر از رفتارهای خارجی کشور، افزایش قابلیت اعتماد و تعامل با دیگر کشورها، و تعیین استراتژی‌های سیاست خارجی منطبق با منافع و اهداف ملی است. اینکه سیاست خارجی ج ۱ ایران توانسته است بر مدار نهادگرایی بصورت پیوسته و موثر عمل نماید جای بحث دارد آنچه که روشن است اینکه جمهوری اسلامی ایران با ساختار متفاوت و آرمان‌های فراتر از مرزهای زمینی خود؛ نهاد‌های را در طول حیات خود ایجاد نموده است که شاید نتوان نمونه‌های از این نوع را در سایر کشورها برشمرد و از طرفی عدم تجربه و توجیه کافی در آگاهی بخشی به دولتمردان در جنبه‌های علمی و کاربردی نقش نهادها در همه امور از جمله سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ موجب شده است که بعضاً در وظایف و اقدامات دستگاه‌های مرتبط با سیاست خارجی و فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ضمن تداخل در وظایف نهادها مختلف؛ دواگانگی و چند صدای در سیاست خارجی از سوی سایر کشورها و بازیگران بین‌الملل شنیده شود. نادیده انگاشتن نقش نهادها و جایگاه اصولی آنها بعضاً می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری برای کشور بدنبال داشته باشد.

روند نهادگرایی در سیاست خارجی ایران با چالش‌های مهمی نیز روبه‌رو است که شامل تحریم‌های بین‌المللی، بی‌اعتمادی به سازمان‌های جهانی و ضعف هماهنگی بین نهادهای داخلی می‌شود برای مثال، خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و ناتوانی اتحادیه اروپا در اجرای تعهدات برجامی، باعث تضعیف اعتماد ایران به سازوکارهای چندجانبه شد. در سطح داخلی، برخی از چالش‌ها شامل عدم هماهنگی میان نهادهای مختلف، محدودیت‌های قانونی و بوروکراتیک و ضعف در نظارت و اجرای سیاست‌های خارجی است. برای رفع این موانع، نهادهای داخلی باید ظرفیت‌های اجرایی و نظارتی خود را تقویت کرده و هماهنگی بیشتری در سیاست‌گذاری‌ها داشته باشند در سطح بین‌المللی، چالش‌های متعددی همچون تحریم‌های اقتصادی، فشارهای سیاسی از سوی برخی قدرت‌های بزرگ و محدودیت‌های موجود در سازمان‌های بین‌المللی وجود دارد.

حفظ جایگاه نهادی و توجه به نقش مهم و اساسی آنها بویژه در سیاست خارجی ج ۱ ایران جز با آموزش و استمرار و توجیه کارگزاران و دولتمردان و بویژه نهاد های تصمیم گیر در سیاست خارجی میسر نمی باشد. در معادلات مملکت داری امروز، سیاست خارجی هدف نیست بلکه در استخدام نظام داخلی کشور ها و ادامه سیاست داخلی است. در واقع تصمیمات سیاسی که بر گرفته از اصول و هنجارها و ارزش های نظام جمهوری اسلامی ایران، توسط نهادهای تصمیم گیر اتخاذ می شود؛ می بایست در سیاست خارجی دنبال و پیگیری شود. بطور کلی می توان گفت مفاهیمی که در داخل یک کشور و در عرصه سیاست خارجی وجود دارد توسط دستگاه سیاست خارجی به شکل خاص خود به عنوان مولفه های قدرت ملی در یک کارکرد جمعی به تولید قدرت ملی تبدیل و به بیرون از مرزها منتقل و تبیین می شود. موفقیت های سیاست خارجی بر پایه همان افزایش قدرت ملی و یا همان ارتقاء مولفه های قدرت ملی یک کشور است، در واقع افزایش قدرت ملی می تواند مجریان سیاست خارجی کار بلد را در روابط و معادلات میان کشورها در سطوح مختلف منطقه ای و بین المللی به موفقیت نزدیک نماید.

برای ارتقای نهادگرایی در سیاست خارجی ایران، باید اصلاحات ساختاری، افزایش شفافیت و بهبود دیپلماسی عمومی در دستور کار قرار گیرد. برای مثال، دیپلماسی علمی و فرهنگی ایران، از طریق گسترش همکاری های دانشگاهی و رسانه ای، می تواند چهره کشور را در مجامع بین المللی بهبود بخشد.

در مجموع جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت های گسترده ای برای بهره گیری از نهادگرایی در سیاست خارجی برخوردار است. نهادهای داخلی مانند دولت، مجلس و شورای عالی امنیت ملی و رهبری در سیاست گذاری خارجی نقش کلیدی دارند. همچنین، تعامل ایران با نهادهای منطقه ای و بین المللی، زمینه ساز تقویت همکاری های چندجانبه است. افزون بر این، ظرفیت های فرهنگی، اقتصادی و راهبردی ایران، به عنوان ابزارهای مهم دیپلماسی نهادی می توانند در سیاست خارجی کشور مورد استفاده قرار گیرند. تقویت نقش نهادهای داخلی در تصمیم گیری سیاست خارجی، تعامل سازنده با نهادهای بین المللی و دیپلماسی چندجانبه، مدیریت چالش ها و موانع و ارائه راهکارهایی برای تقویت نهادگرایی، از جمله مباحثی بودند که مورد توجه قرار گرفتند. با انجام اقدامات صحیح و اجرایی در این زمینه ها، ایران می تواند به طور مؤثرتری از ظرفیت های نهادگرایی برای کارآمدتر و موثرتر ساختن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با هدف تأمین منافع ملی خود بهره ببرد.

فهرست منابع

- O'Sullivan, M. L. (2018). *Shrewd Diplomacy: Iran's Foreign Policy and the Global Order*. Oxford: Oxford University Press.
- Reuters. (2025, February 4). An overview of Iran's energy industry and infrastructure.
<https://www.reuters.com/world/middle-east/an-overview-irans-energy-industry-infrastructure-2025-02-04/>
- Shanghai Cooperation Organization (SCO). Cooperation and Economic Development in Eurasia. SCO Annual Review, 2023
- Science and the New Institutionalism Political .(1996) .A and Rosemary C.R.Taylor Hall Peter
- Peterson Institute for International . "Economic Sanctions Reconsidered" .(2007) .Gary et al, Hufbauer .Economics
- Hodgson, G. (1998). the approach of institutional economics,. *Journal of Economic Literature*,, 155-183.
- Blackwell .*Comparative Politics: Principles of Democracy and Democratization* .(2012) .John T Ishiyama .Publishing Ltd
- Institutionalism .An Analysis of the Role of Domestic and International Institutions* .(2020) .M Rahmani and Foreign Policy: An Analysis of the Role of Domestic and International Institutions. London: .Routledge
- March, J., & Olsen, J. (1984). *American Plitical Science Review*, 78, 738-739.
- March, J., & Olsen, J. (2005).
- North, D. (1994). *Economic Performance Through Time*. 84.
- A Companion to Contemporary Political .(2007) .Robert, Good in, philip Pettit and Thomas Pogge .,Philosophy
- Sven stienmo and Halen
- .Structuring politics: Historical institutionalism in Comparative Analysis .(1992) .
- اسلامی , ر., & اکبری, ز. (1399) . آسیب شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر نهاد گرایی. *فصلنامه عملی مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*, 3-26.
- تهران: انتشارات روزنامه سلام .(Trans, م. دلفروز) *دموکراسی و سنت های مدنی*. (1380). پائنام , ر
- (Trans, م. ت. دلفروز) *دموکراسی و سنت های مدنی*. (1380). پائنام, ر
- جکسون, ر., & سورنسون, گ. (1394). *درآمدی بر روابط بین الملل*. (م. زاکریان, ا. تقی زاده , & ح. کلاهی خیابان, مترجم) تهران: میزان.
- جلال دهقانی فیروز آبادی . (1394). *اصول و مبانی روابط بین الملل (جلد اول)*. تهران: سمت.
- جلال دهقانی فیروز آبادی. (1398). نهادگرایی و سیاست خارجی ایران: بررسی تأثیر نهادهای داخلی بر تصمیمات سیاست خارجی دانشگاه تهران.

- حسینی زاده، م. (1391). از نهاد گرایی تا گفتمان درآمدی بر کاربرد نظریه های نهادگرایی در علوم سیاسی. *باقرالعلوم سال پانزدهم*, 60.
- حقیقت، س. (1376). *مسئولیت های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- خوشوقت، م. ح. (1385). *تجزیه و تحلیل تصمیم گیری در سیاست خارجی*. تهران: مرکز چاپ و انتشار وزارت امور خارجه.
- رابرت پاتنام. (1380). *دموکراسی و سنت های مدنی ترجمه محمد تقی دلفروز*.
- رمضانی باصری، ع.، & میر فردی، ا. (1393). *خرداد و نیر ماه*. *مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی) سال چهارم شماره های 3 و 4*, 133-150.
- روح الله رضانی. (1380). *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*.
- رودس، آ. (1384). *رهیافت نهاد گرایی در دیوید مارش و جری استوکر روش و نظریه در علوم سیاسی*. (ا. حاج یوسفی، مترجم)
- رینولدز، فلیپ آلن. (1380). *شناخت اصول روابط بین الملل*. (ج. زنگنه، مترجم) تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- صحرائی، ع. (1390). *درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۵* با تأکید بر ایدئولوژی سیاسی. سخن گستر.
- صدیق، ا. (1386). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا سال ۱۳۶۸*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کاظمی، ح. (1392). *نهاد گرایی بعنوان الگویی برای تحلیل سیاسی. دوفصلنامه علمی - پژوهشی « پژوهش سیاست نظری » دوره جدید شماره سیزدهم*, 1-27.
- گای پیترز. (1386). *نظریه نهادگرایی در علم سیاست*. (فرشاد مومنی، و فریبا مومنی، المترجمون) تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- مجتبی زارعی. (1396). *بررسی تطبیقی قابلیت تبیین سیاسی رهیافت نهادگرایی و رهیافت فطرت گرا (سیاست متعالیه)*. *مجله معرفت سیاسی*, 49-66.
- محمد امینه کیوانی. (1385). *آشنایی با مکتب نهادگرایی. پژوهشنامه حقوق اسلامی*.
- محمد حسین خوشوقت. (1385). *تجزیه و تحلیل تصمیم گیری در سیاست خارجی*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- محمد ستوده. (1385). *تحولات نظام بین الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*.
- محمدی، ح. (1393). *تبیین نشانگان قدرت و تأثیر آن بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران. فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، انجمن ژئوپلیتیک ایران دوره 10 شماره 53*, 122-148.
- محمود سریع القلم. (1390). *مفهوم قدرت و عملکرد سیاست خارجی: مقایسه چین و ایران. فصلنامه روابط خارجی*, 49-74.
- محمود متوسلی، مصطفی سمعی نسب، محمود مشهدی احمد، و علی نیکو نسب. (1389). *اقتصاد نهادی: پیشگامان نهاد گرایی که علم اقتصاد را متحول کردند*. تهران: دانشگاه امام صادق.